**نام مقاله: گستره ملي آموزش عالي در پرتو فناوريهاي ارتباطي و اطلاعاتي**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 48 \_ شماره چهارم،جلد12**

**پديدآور: عبدالحسين تفضلي مقدم-عيسي ابراهيم زاده-محمدرضا سرمدي-دكتر محمدحسين دياني**

**مترجم:**

**چكيده**

**در اين پژوهش مباحث جهاني شدن، ‌نقش آموزشهاي مبتني بر فناوريهاي ارتباطي و اطلاعاتي و تأثير آنها بر آموزش عالي ايران بويژه آموزش از راه دور به روش كيفي بررسي شده است. منابعي كه به اين بررسي ياري رسانده اند، عبارتند از: نوشته‌هاي مرتبط به سه حوزة‌ : جهاني شدن در پرتو فناوريهاي ارتباطي و اطلاعاتي،‌ ضرورتهاي تغيير در نظامهاي آموزش عالي براي دسترسي همگان به اين نوع آموزش ‌ و شرايط فعلي آموزش عالي در ايران. افزون بر منابع مكتوب،‌ ديدگاههاي چندين پژوهشگر اين حوزه و نيز ديدگاه هاي كلية اعضاي هيئت علمي شاغل در دانشگاه هاي پيام نور،‌ اعضاي هيئت علمي مؤسسه‌هايي كه از رويكرد آموزش باز و آموزش از راه دور استفاده مي‌كنند و نيز پژوهشگران شاغل در مؤسسه‌هاي تحقيقاتي وابسته به وزارت علوم، ‌تحقيقات و فناوري در اين بررسي لحاظ شده است. در ادامه، چكيده مباحث كه دستاوردهاي كلي اين پژوهش تلقي مي شود، به جامعه علمي فعال در اين حوزه تقديم مي‌شود.**

**كليدواژه‌ها: آموزش عالي و جهاني شدن، جهاني شدن، فوق قلمروگرايي و آموزش و پرورش، آموزش عالي ايران، آموزش از راه دور، آموزش مجازي.**

**فوق قلمروگرايي**

**مفاهيم يا اصطلاحات بين المللي شدن، ‌آزادسازي، ‌همگاني شدن و مدرنيته كه در بسياري از منابع با جهاني شدن يكسان پنداشته شده اند،‌ به اين دليل كه هيچ يك نو نيستند و توان دگرگون كنندة «‌جهاني شدن» را ندارند، معادلي مناسب براي جهاني شدن نيستند. در مقابل،‌ پديده هاي ارتباطات جهاني، ‌بازراهاي جهاني، ‌توليد جهاني، ‌پولهاي جهاني، ‌تأمين مالي (سرمايه‌گذاري) جهاني، سازمانهاي جهاني،‌ تغييرات جهاني كه انسانها عامل آنهايند، هوشياري جهاني و آموزشهاي رسمي و غير رسمي جهاني،‌ كه نمادها و نمودهايي از ظهور جهاني‌گرايي يا فوق قلمروگرايي و در نتيجه قلمروزدايي نسبي زندگي اجتماعي هستند، چهرة واقعي‌تري از جهاني گرايي را كه فرايندي رو به گسترش و تعميق است، مي‌نمايانند.**

**‌جهاني‌گرايي (‌به معناي فوق قلمروگرايي) ويژگيهاي متمايز و مهمي دارد كه اصطلاحات مورد استفاده در تحليلهاي اجتماعي فاقد آن هستند. جهاني گرايي با اين تعريف، از نظر تاريخي، از ربع سوم قرن بيستم رو به شكوفايي گذارده است. از ديدگاه علت و معلولي، جهاني شدن ناشي از فرايندهاي ساختاربندي است كه در آن نيروهاي عقل‌گرايي، ‌سرمايه داري ، ‌نوآوريهاي فناورانه و امكانات نظارتي، نقش محوري را ايفا مي‌كنند. از ديدگاه تغييرات اجتماعي،‌ جهاني شدن تا كنون دگرگوني هاي چشمگير اما نه تمام عيار را در ساختارهاي اصلي توليد، ‌حكومت، ‌جامعه و دانش در پي داشته است. جهاني شدن از نظر تأثيرات، افزون بر برخي منافع مهم ، از راه هاي گوناگون موجب تضعيف امنيت انسان، ‌عدالت اجتماعي و دموكراسي نيز شده است. لذا،‌ از ديدگاه واكنشهاي سياسي، يك برنامه اصلاحات بلند پروازانه مي تواند با بسياري از آسيبهاي بالقوة جهاني شدن مقابله كند و بسياري از منافع بالقوه آن را افزايش دهد.**

**اين نتيجه گيريهاي كلي، براي انديشه و عمل اجتماعي پيامدهاي مهمي دارند. ديگر نمي توان جغرافياي دنيا را تنها بر حسب فضاهاي وابسته به قلمرو درك كرد. در اين حيطه است كه شيوة استنباط ما از ساير ابعاد روابط اجتماعي مثل فرهنگ،‌ بوم شناختي، ‌اقتصاد،‌ سياست، روان شناسي و آموزش و پروش تغيير مي يابد. از نظر عمل اجتماعي، تغيير قابل توجه در پويايي هاي توليد، ‌‌حكومت،‌ جامعه و دانش قابل مشاهده است. با روزافزوني پديده ها‌ي فوق قلمروي، بحث جهاني سازي در برابر جهاني شدن رنگ مي‌‌بازد و چهره اي فرايندي به خود مي گيرد. در اين فرايند است كه كشورهايي مانند ايران بايد از منافع جهاني شدن يا فوق قلمروي در همه زمينه ها و بويژه آموزش سود ببرند.**

**يكي از نمودهاي فرايندهاي فوق قلمرويي،‌ گسترش استفاده از فناوريهاي ارتباطي و اطلاعاتي بويژه اينترنت در حوزه يادگيري و آموزش است كه بارزترين جلوه آن در تلاشهاي مربوط به توسعه نظام آموزش عالي در پرتو فناوري اطلاعات و ارتباطات قابل مشاهده است. نوشته يا نا نوشته، دانشگاه‌ها همواره به بهره‌گيري از اين امكان به عنوان يك روش تازه يا حداقل يك پشتيبان واقعي براي آموزش و يادگيري نظر دارند. موفقيت در توسعه آموزش از اين راه ،‌ به تغييرات گسترده و فراهم بودن شرايط و عوامل مربوط وابسته است.**

**هنجارهاي فرهنگي ـ اجتماعي و فناوريهاي ارتباطي و اطلاعاتي**

**‌اهميت هنجارهاي فرهنگي ـ اجتماعي يك كشور در راه توسعه يا عدم توسعه آموزش مبتني بر فناوري ارتباطات و اطلاعات در آموزش عالي آشكار است. ارج گذاري بر ايده ها و ايده پردازيها كه از هنجارهاي فرهنگي ـ اجتماعي نشأت مي گيرد،‌ زمينه ساز اصلي روي آوري به اين قبيل نوع آوريهاست. نگرش استادان به آموزش مبتني بر فناوريهاي ارتباطي و اطلاعاتي، متأثر از قابليتها يا مهارتهاي كار در فضاي مجازي رايانه و‌ اينترنت است. آشكار است كه ناآشنايي،‌ بويژه هنگامي كه تغيير در نظر است، به مقاومت مي انجامد. بخشي از اين مقاومت ممكن است در چارچوب نظرهاي سياسي يا باورهاي ديني رخ نمايد. براي مثال، ممكن است‌ استدلال شود كه آموزشهاي مبتني بر فناوريهاي ارتباطي، عوارض جنبي خود را دارد. مثلاً، ممكن است دانشجويان با ديگر فرهنگها آشنا شوند و اين امر به دست كم گرفتن و حتي از دست رفتن فرهنگ خودي منجر شود. اين نگراني وجود دارد كه در ساية توسعه شبكه ها و ارتباطات در نظام آموزشي، ‌ممكن است هويتهاي مطلوب و بهنجار مانند هويت ديني دانشجويان، به چالش كشيده شود.**

**در كنار عوامل فرهنگي ـ اجتماعي، ‌ توانايي منابع انساني مانند دانشجويان، ‌استادان،‌ كاركنان،‌كارشناسان و مديران در به كارگيري و بهره وري از آموزشهاي مبتني بر فناوريهاي ارتباطي و اطلاعاتي است. اين مورد به ميزان سواد اطلاعاتي افراد ‌ربط مي يابد.**

**چنان كه اشاره شد، ‌فوق قلمروگرايي در هر زمينه اي عوارض منفي و مثبت دارد. در نظام آموزشي نيز چنين است. اما درك صحيح و درست از آموزشهاي مبتني بر فناوريهاي ارتباطي و شيوه هاي بهره گيري مناسب از آنها براي توسعه آموزش الكترونيكي، بايد از دغدغه هاي نظام آموزش عالي در مسيرحركت خود در تبديل شدن به يك نظام با محوريت دانش در گسترة سرزمين بزرگ ايران باشد. ‌**

**موانع پيش روي همگاني شدن آموزش در ايران**

**ايران كشوري بسيار وسيع با جمعيت پراكنده در روستاها، بخشها، شهرهاي كوچك و كلان‌شهرهاست. اين دو ويژگي، ايجاد تحولات لازم در ايرانيان بويژه از طريق آموزش را بسيار دشوار كرده است، به طوري كه با وجود تلاشهاي گسترده از سال 1315 به بعد،‌ هنوز بيسوادي ريشه كن نشده و سوادي با كيفيت كه مناسب تأثيرگذاري مثبت بر شرايط گسترش و تعميق جهاني شدن است، در انديشه و عمل ايرانيان جاري نگرديده است. رواج اين نوع سواد كه پيش نياز آن بهره‌گيري از آموزشهاي دانشگاهي است، همواره با چند مانع بزرگ روبرو بوده است. از جمله فاصلة مكاني بين انسانهاي نيازمند آموزش عالي، هزينه اي كه آموزش به اين نوع انسانهاي پراكنده طلب مي‌كند و كمبود يا نبود نيروي انساني مجرّب كه توان آموزش مناسب را داشته باشد.**

**اين موانع در بسياري از كشورها رواج داشته است و در صورت بهره نگرفتن از فناوريهاي ارتباطي كه جهاني شدن را ميسر ساختند، ممكن بود همواره ادامه يابند. اما، فناوريهاي ارتباطي به لحاظ فني دو مانع را كنار زده اند: فاصله ها را از ميان برداشته و آموزش يك (مدرس) به بسياري را ميسر ساخته اند. فناوريهاي ارتباطي بالقوه اين امكان را دارند تا دانشجوي ساكن در روستاي محمدآباد خرقان ساوه را دركلاس هر مدرسي در هر جاي جهان بنشانند. يا كلاس درس يك استاد از دانشگاه صنعتي شريف، هزاران شاگرد در گوشه گوشه ايران يا جهان داشته باشد. آشكار است كه اين نوع آموزش يك (مدرس) به بسياري از افراد (فراگيران)،‌ در مقايسه با يك به چند دانشجو، ‌هزينه اي بسيار اندك دارد. از طرف ديگر اينكه درسي كه استادي در فضاي مجازي ارائه مي كند،‌ نه تنها براي هركسي كه اين درس را در مجموعه ساير درسها مي گذراند، ‌بلكه براي كساني كه به منظوري خاص، ‌ مجزا از ساير درسها يا در پيوند با مجموعه اي از درسها در ساير حوزه هاي علمي ديگر طالب اين درس هستند، قابل استفاده است. مثالي ساده از اين نوع آموزش،‌ آموزش درسهاي معارف اسلامي است كه هم در گروه آموزشي خاص،‌ هم در گروهاي ديگر آموزشي و هم براي افرادي كه خارج از مجموعه‌اي درسي‌ طالب يادگيري آن هستند، قابل استفاده است. ‌**

**به كارگيري اين نوع فناوري ارتباطي براي آموزشي يك به هزاران هزار، ‌اكنون به لحاظ فني ميسر است و كساني كه به ملزومات مربوط دسترسي دارند،‌ در محدوده هاي غير رسمي از آن استفاده مي كنند. به عنوان مثال،‌ پاورپوينتهاي بسياري براي آموزش بسياري از مطالب،‌ نظير‌ درس آمار،‌ به زبان فارسي براي فارسي زبانان و به زبان انگليسي براي انگليسي‌دانان دنيا از طريق شبكه اينترنت در دسترس است و بسيار مورد استفاده قرار مي‌گيرد. تعداد مباحث آموزشي كه مي توانند در سراسر جهان به گونه اي يكسان تدريس شوند، كم نيست. هرگاه اين ادعا را بپذيريم، به اين نتيجه مي‌رسيم كه يك استاد يا مجموعه اي از استادان مرتبط مي توانند به ارائه درس بپردازند و همه مردم دنيا آن درس را با زبان اصلي يا با زبان ترجمه شده به زبان هر قلمرو جغرافيايي بياموزند.**

**نكته اصلي كه تاكنون به آن پرداخته شد،‌ از ميان رفتن فاصله هاست. اما اين شرايط، ‌يعني فضا و شيوه اي كه آموزش بايد در آن انجام گيرد،‌ فضا و شيوه هاي متفاوت از فضا و شيوه‌هاي سنّتي است. ايجاد اين فضا،‌ به بستري مناسب براي دسترسي سريع، ‌آسان و كم هزينه به همة ملزومات فناوري ارتباطي نيازمند است. افزون بر اين، زبان و شيوه آموزشي كه در اين فضا به كار مي رود، متفاوت از آني است كه در محيطهاي سنّتي كارايي دارد. در اين فضا، نظريه هاي يادگيري به طور عام و نظريه هاي يادگيري مبتني بر يافته هاي مطالعاتي انجام شده در فناوريهاي آموزشي،‌ به طور خاص حضوري فعال بايد داشته باشند. به يقين، انتقال عين مطالب درسي كه دركتابها هستند يا در كلاسها ارائه مي‌شوند،‌ نمي‌تواند راهبردي مناسب براي آموزش از طريق فناوريهاي ارتباطي باشد. آشكارترين تفاوت بين آموزش سنّتي و آموزش مبتني بر فناوريهاي ارتباطي اين است كه در اولي آموزش گروهي است و در نوع دوم، آموزش خواسته يا نا خواسته به آموزش فردي تبديل مي شود. در اين صورت، توجه به معدل كلاس مطرح نيست،‌ بلكه توجه به تغيير فكر و عملي است كه از طريق اين نوع آموزش در فردي خاص به وجود مي آيد. به بياني ديگر، اين نوع آموزش در عين حال كه مي تواند عده نامحدودي را در نظر داشته باشد، ‌در عمل نوعي آموزش فردي است كه تفاوتهاي فردي يادگيرنده در نتيجه آن تأثيري تعيين كننده دارد. در آموزش سنّتي، ايده آل مدرسي بود كه هم عالم باشد و انتظار داشتيم هنرمند نيز باشد. در آموزشهاي مبتني برفنارويهاي ارتباطي، ‌هم علم مدرس و هم هنر مدرس يا گروهي از افراد ـ كه ممكن است واقعاً هنرمند نيز باشند ـ ضروري است،‌ زيرا اين هر دو از عينيت بيشتري از آنچه در كلاس قابل مشاهده بود، ‌برخوردارند.**

**دانش پيش‌نياز آموزش با كيفيت**

**گرچه با برنامه ريزي و تغيير سياستهاي آموزشي كشور ،‌ با سهولت كمتري مي‌توان به خود فناوريهاي ارتباطي دست يافت، ‌اما دستيابي به دانشي كه بتواند آموزشي با كيفيت تر از آموزش سنتي را از طريق فناوريهاي ارتباطي به سراسر كشور ارائه دهد، با دشواريهاي بسياري همراه است. به زبان ساده تر، دستيابي به «تكنو» بسيار ساده تر از دستيابي به «لوژي» است. اين ادعا هم در مورد در اختيار داشتن و سرپا نگهداشتن خود فناوري و هم به مؤثربودن و روزآمدسازي محتوايي كه از اين طريق ارائه مي شود، و هم به در اختيار داشتن قوانين و مقررات مناسب و هم به فرهنگ سازي در جهت بهره گيري از فناوري اطلاعاتي براي آموزش، ‌صادق است. فناوريها بايد مناسب (‌روا) و‌ پايدار (‌با ثبات) بوده و قابليت روزآمد شدن داشته باشند. همچنين، تجهيزات مورد نياز براي برقراري ارتباط بايد با قيمتي كه فراگيران توان تهيه آنها را دارند، در دسترس باشد. ‌سرعت برقراري ارتباط بايد به مناسب ترين و در عين حال مطلوب ترين حد رسانده شود.**

**محتوا بايد عالمانه و با بهره گيري از دانسته هاي زيباشناسانه با قابليت روزآمدسازي و نيز قابليت مناسب سازي با نيازي خاص،‌ تدوين و شكل داده شود.‌ اين موردي است كه به آموزشهاي اوليه بسياري، هم براي مدرسان و هم براي شكل دهندگان به محتواي آموزشي نياز دارد.**

**قوانين و مقررات بايد با حمايت از آنچه در اين مسير انجام مي شود، ارزشهاي معنوي و مادي مشخص را براي تحصيل يا يادگيري در اين فضا تعيين كند. آشكارتر اينكه اين نوع آموزشها بايد در نظام آموزشي ايران و در استخدام و به كارگيري فراگيران از حمايتهاي لازم حقوقي برخوردار و ارزش واقعي يا ارزش معادل آنها براي كار و ادامه تحصيل در سازمانها و مؤسسه هاي آموزش رسمي و غير رسمي تعيين شو د و قوانين اجرا گردد و پايبندي همه را مورد تأكيد قرار دهد.**

**روي آوري به اين نوع آموزش و پذيرش همة شرايط آن بدون تغيير در فرهنگ يا نگاهي كه تاكنون به آموزش داشته ايم،‌ به تلاش بسياري نياز دارد. در گسترة فرهنگ ايران زمين و در طي دورانهاي طولاني،‌ يادگيري از طريق گوش دادن مهمترين شيوة يادگيري بوده است. نقّالان تاريخ ايران زمين و روحانيون، فرهنگ ديني را به صورت شفاهي و با سخنراني در ذهن افراد جاي مي دادند. بيشترين شكل آموزشهاي سنّتي نيز، ‌مدرس محور با رويكرد سخنراني است و فراگير، شنونده، گيرندة پيام و غير فعال است؛‌ حال آنكه در آموزش مبتني بر فناوريهاي ارتباطي، فراگير نقشي فعال دارد. زدودن رسوبهاي فرهنگ سنّتي از ذهن فراگيراني كه دوران ابتدائي، ‌راهنمايي و متوسطه را بدين شكل گذرانده‌اند،‌ دشوار است.**

**براي برطرف كردن اين موانع، به سازماني متفاوت از آنچه امروز به نام دانشگاه پيام نور فعال است، نياز است. نظام آموزشي اين دانشگاه، در تمام موارد گفته شده،‌ دست پايين دارد. نيروي انساني اين دانشگاه ، مدرساني هستند كه تقريباً نقشي جز كمك مدرسي[1] ندارند. حتي توانايي علمي آنها براي تشريح محتواي كتابي كه در آزمون آخر سال به آن مراجعه مي شود، سنجيده نمي شود. به دليل ميزان كم ساعات حضور مدرس در كلاس درس،‌ كمتر ميسر است كه كل كتاب درسي تدريس و به پرسشهاي دانشجويان درباره اين محتوا پاسخ داده شود. پرسشهاي امتحان به طور متمركز تهيه و بدون توجه به ضعفها و قدرتهاي مدرسان و دانشجويان هر مركز ،‌ به همه مراكز فرستاده مي شود. اين امكان وجود دارد كه دانشجويي در سراسر نيمسال به كلاس نيايد و تنها از طريق خودخواني نمره قبولي بگيرد. بي شك، كيفيت اين نوع آموزش،‌ كيفيتي نيست كه كار با موفقيت در زمانة فوق قلمروگرايي را در پي داشته باشد.**

**دشواريهاي روي آوري به آموزشهاي مبتني بر فناوريهاي ارتباطي و اطلاعاتي**

**نظام فعلي آموزش در پيام نور، متكي به تعداد اندكي مدرس در مقايسه با تعداد زيادي دانشجوست؛ مدرساني كه حداكثر تلاش آنها براي آموزش مبتني بر فناوريهاي ارتباطي، ‌تهيه پاورپوينت فشرده مطالب كتاب درسي است. تغيير از اين وضعيت به وضعيت مطلوب، به تشكيلاتي متفاوت با نيروهاي انساني آموزش ديده براي آموزشهاي مبتني بر فناوريهاي ارتباطي نيازمند است.**

**بر اين اساس، در تغيير ساختارهاي آموزشي براي قرار گرفتن در مسيري كه شرايط فوق قلمروگرايي ديكته مي‌كند، ممكن است تقويت يا بهبود يا تغيبر در بسياري از شاخصها ضروري باشد. برخي از اين شاخصها عبارتند از: مسائل جمعيتي،‌ مسائل زباني، ‌مسائل فردي، ‌مسائل اجتماعي ـ حقوقي، و مسائل ملي ـ مذهبي. همزمان، تغيير ديدگاه‌ها، مهارتها و عملكردها در شاخصهاي منابع انساني درگير يعني استادان، دانشجويان، ‌كارشناسان، كادر اداري، كاركنان اطلاعاتي (كتابداران و متخصصان رايانه) و مديران ضرورت دارد.**

**به احتمال زياد، نگرانيهاي ابراز شده توسط مشاركت كنندگان در اين پژوهش ،‌ ناشي از تلاشهاي زيادي است كه بايد انجام گيرد تا شاخصهايي از نوع شاخصهايي كه در بالا به آنها اشاره شد،‌ به شرايط لازم برسند و يا به قابليتهاي لازم دست يابند. اين متخصصان پذيرفته اند كه تنها با نظام سنّتي نمي توان مشكلات آموزشي كشور را برطرف كرد. دست كم در شرايط فعلي، آموزشهاي مبتني بر فناوريهاي ارتباطي و اطلاعاتي مي‌تواند به عنوان پشتيبان وارد نظام آموزشي شود. وقتي وضعيت شاخصها به حد مطلوبي برسد،‌ اين نوع آموزش جايگزين بخشي از نظام آموزشي فعلي مي شود. فشرده نظرات مشاركت كنندگان در اين پژوهش موارد زير است:**

**بيشتر مشاركت كنندگان پديدة جهاني شدن را ناگزير تلقي مي كنند. اين توافق با بالا رفتن درجات تحصيلي، افزايش مي‌يابد. نظرهاي موافق با اين ايده در همة رشته‌ها، ‌در همه مراتب دانشگاهي و براي همه كساني كه به پژوهش و نگارش اشتغال دارند،‌ كساني كه سابقة كار يا آموزش بيشتري دارند، بالاست.**

**يك سوم از پاسخ دهندگان، همسويي نظام آموزش باز و از راه دور با پديده جهاني شدن را زياد دانسته اند. زنان اين همسويي را بيشتر از مردان مي دانند. همسويي براي رشته‌هاي علوم انساني بيشتر از علوم اجتماعي و اين يكي بيشتر از علوم تلقي شده است. تقريباً در همه موارد،‌ همسويي در حد متوسط دانسته شده است . تحرك بيشتر،‌ پيگيري بيشتر و پاسخگويي بيشتر به انتشارات براي افزايش همسويي، ضروري دانسته شده است.**

**رشته تحصيلي، سابقه تدريس، ‌رتبه دانشگاهي و سطح فعاليتهاي علمي تأثيري در تطابق الگوهاي آموزش باز با هدفهاي توسعه ملي ندارد. در همه موارد، اين تطابق متوسط دانسته شده است.**

**پاسخ دهندگان در مشخص كردن الگوهاي آموزش از راه دور برتر، ترديد دارند. هيچ الگويي بر الگوي ديگري ترجيح داده نشده است. تأكيد بر اين است كه الگوهاي رايج،‌ ضعيف است و بايد در جهت همسويي با برنامه هاي توسعه ملي پالايش و تقويت شود. اين الگوها همسو با پديده جهاني دانسته شده اند. بيشترين همسو در آموزشهاي مجازي ديده شده است. در عين حال، بين اين مورد و موارد ديگر تفاوت اندكي مشاهده مي شود. همه موارد همسويي را بيشتر از 3 از 5 تلقي كرده اند.**

**دربارة تأثير آموزش از راه دور در ايجاد قابليتهاي زندگي و فرصتهاي برابر، ترديد وجود دارد. يك سوم از پاسخگويان در سه بخش طيف مربوط قرار دارند.**

**نظام آموزش باز و از راه دور تا به حال در ايجاد فرصت دستيابي به آموزش عالي بيشتر از ايجاد فرصت برابر و اين يكي بيشتر از انباشت سرماية انساني و اجتماعي، موفق بوده است. اما در ايجاد قابليتهاي زندگي در فرايند جهاني كمتر موفق بوده است. حداقل موارد بالا 18/2 و حداكثر 4/3 از 5 بوده است .**

**عدم همخواني زير ساختهاي فني و نيروي انساني آموزش از راه دور ايران با پديده جهاني شدن، حداكثر 70% برآورد شده است. بيشترين تأكيد بر آن است كه نيروي انساني، تغيير مناسب در برنامه هاي درسي و آموزشهاي فناوري، متغيرهاي كليدي در اين موردند.**

**همه رشته ها و در تمام سطوح بر اهميت موانع فرهنگي و قانوني پيش روي توسعه آموزش باز و از راه دور در كشور تأكيد دارند. ديوان سالاي و دگم انديشي مديران، دسترسي آزاد به اطلاعات را محدود و نظام آموزشي را در چارچوبي ايستا، از حركت بازداشته است.**

**خلاصه اينكه، حركت به سوي شرايطي كه جهاني شدن ديكته مي كند،‌ اجباري است. آموزش از راه دور مي تواند با تغييرات مناسب در كمّيت و كيفيت حركتي كه در اين مسير آغاز شده است،‌ تاثير گذار باشد. (موردي كه تاكنون در ايجاد فرصتهاي برابر و افزايش قابليتهاي زندگي موفق نبوده است). تغييرات بايد در مسيري باشد كه دستيابي به هدفهاي توسعه ملي را ممكن سازد. اينكه كدام الگو براي طي اين مسير مناسب تر است،‌ به تحقيق بيشتر نياز دارد. زيرساختهاي نيروي انساني،‌ محتوا و منابع آموزشي و دانشها و مهارتهاي فناوري، به تقويت زياد نياز دارند. موانع فرهنگي از جمله نظام ديوان سالاري و مديريت محوري امور، سد راه حركت رو به جلو است.**

**مسير مناسبي كه دنبال شود**

**تصويب سندچشم انداز بيست ساله كه در افق چشم انداز آن ايران به كشوري پيشرفته از هر لحاظ در خاورميانه مبدّل مي شود،‌ اميدهاي بسياري را براي حركت به سوي تغييرات زيربنايي به وجود آورد. اما حركت بسيار كُند در مسيري كه سند چشم انداز مشخص كرده است،‌ مي‌تواند بخشي از آن چيزي را كه به عنوان موانع فرهنگي ـ اجتماعي نام دارد، نمايان سازد. نيروهايي،‌ اغلب‌ فاقد توان عملي تغيير و به روز شدن، طالب حركت در مسير هستند و نيروهايي، ‌غالباً با توان عملي، ‌سد راه بماند. معمولاً نيروهاي گروه دوم اولويتهاي جاري را بر اولويتهاي سند چشم انداز، ترجيح مي دهند. حتي اگر اين برداشت درست باشد،‌ حاكي از نبود توافق عمومي بين برخي نخبگان و اداره كنندگان جامعه دربارة مسير حركت است. چنين موردي را مي توان نبود اراده قوي ملي براي ايجاد تغيير در شرايط موجود دانست كه در قالب بحث جهاني شدن به عنوان يك فرايند و جهاني‌سازي به عنوان فشار از خارج براي تغيير، قابل تعبير است. تا هنگامي كه مورد دوم در ذهن مديران و نخبگان جامعه حضور فعال دارد، ‌بويژه اگر تأكيد برآن،‌ حاوي مزاياي سياسي يا اقتصادي يا احساسي از پتانسيل خطر براي باورهاي ديني در بطن خود داشته باشد،‌ عامل فرهنگي ـ اجتماعي،‌ عاملي بازدارنده است. اما واقعيتهاي اجتماعي،‌ فناورانه و تأثيرهاي جهاني خنثي نيستند و تأثيرهاي خود را براي تغيير شرايط فرهنگي ـ اجتماعي بر جاي مي‌گذارند، هر چند ممكن است اين تغييرات به كندي صورت گيرد.**

**هرگاه تغييرات كندتر از آن چيزي باشد كه جامعه طالب آن است،‌گزينه‌هاي جايگزين ظاهر مي‌شوند؛ موردي كه با كم توجهي به وظايف معاونت فناوري ارتباطات و اطلاعات در وزارت علوم،‌ به صورت معاونت علم و فناوري رياست جمهوري رخ نمود. خصلت بروكراسيهاي اداري اين است كه هرگاه دستگاهي وظايف خود را آن گونه كه جامعه انتظار دارد انجام ندهد،‌ دستگاه ديگري براي انجام آن وظيفه به وجود مي آيد. اميد است جايگزين فعلي نيز دچار حركت لاك پشتي معاونت وزارت علوم نشود و آنچه در كلام گفته مي شود، به عمل تبديل گردد (منظور درصد اعتباراتي است كه سازمانهاي دولتي بايد براي رشد تحقيقات و فناوري سالانه هزينه كنند)‌.**

**مسير ديگري كه در حال طي شدن است،‌ دستيابي به كمّيتهاي مندرج در هدفهاي سند چشم انداز يا هدفهاي وزارت علوم،‌ تحقيقات و فناوري است. فراخواني هزاران هزار دانشجو به مؤسسه هاي آموزشي، ‌بويژه مؤسسه هاي آموزشي كه تواناييهاي كمتري دارند (‌دانشگاه پيام نور و مراكز آموزش عالي غير انتفاعي وابسته به وزارت علوم)‌. موردي كه ممكن است بخش قابل توجهي از اقشار جامعه را كه به هر دليلي به دانشگاه راه نمي‌يابند، خشنود كند؛‌ اما اين شيوه عمل فاقد كيفيتهايي است كه زندگي در جامعه جهاني طلب مي‌‌كند. بر اساس ديدگاه مثبتي كه «دانيل بل» به جامعه اطلاعاتي مي نگرد، جامعه اطلاعاتي جامعه اي است كه افراد دانشمند، ‌خردمند،‌ برنامه ريز و مجريان توانا با برنامه ريزيها و اقدامهاي مناسب خود،‌ از پيشامدهاي ناگوار جلوگيري مي كنند. او تأكيد دارد كه يكي از ويژگيهاي جامعه اطلاعاتي‌ اين است كه امور ـ از هر نوع آن ـ بر اساس نظريه هاي علمي اداره مي شود. بعيد است كه با حجم فراتر از توان آموزشي اعضاي هيئت علمي به شكل سنّتي، انسانهايي با ويژگيهايي كه «دانيل بل» براي جامعه اطلاعاتي مشخص كرده است ، سازگار باشد.**

**اين شيوة عمل بر اي هيئت علمي در هر سطح بار اضافي آموزشي توليد مي كند و با روندي فرسايشي، تواني براي عضو باقي نمي گذارد كه به پژوهش، ‌انديشيدن و‌ نوآوري كه هسته مركزي جامعه اطلاعاتي و شرايط فوق قلمروي است،‌ بپردازد. اين مورد بويژه با نيروي انساني اندك ـ در مقابل تعداد زياد دانشجو ـ در دانشگاه پيام نور بيش از هر جاي ديگري آشكار است. اين دانشگاه مدعي ترين دانشگاه براي بهره گيري از فناوريهاي ارتباطي و راه اندازي آموزشهاي مجازي است. تنها نشاني كه از حركت در مسير دانشگاه مجازي در اين دانشگاه ديده مي شود،‌ انتقال محتواي كتابهاي درسي در ساده ترين شكل توسط مدرس به پاورپوينت است.**

**هنوز شاهد نيستم كه گروهي از متخصصان، برنامه ريزان و فناوران (‌رايانه ورزان، ‌تكنولوژيستهاي آموزشي،‌گرافيستها و ...)‌ فرا خوانده شوند تا براي تغيير وضعيت فعلي به وضعيت مطلوب،‌ برنامه اي تنظيم كنند. حتي هنوز شاهد انتشار سياستهاي جزئي اين دانشگاه يا دانشگاه‌هاي ديگري كه وارد آموزشهاي مجازي شده اند،‌ نيستيم. اين پژوهشگر بر اهميت تشكيل كارگروه‌هايي از اين نوع و ارائه سياستها، خط مشي‌ها و رويّه‌هايي كه مي‌نماياند، تأكيد دارد.**

**با وجود اينكه كشورهايي بسيار ناتوانتر از ما از سرعتهاي مطلوبي براي دسترسي به اينترنت برخوردارند،‌ هنوز سايه نگراني از پيامدهاي سياسي و ديني اجازه نمي دهد‌ افراد و بويژه سازمانها دسترسي پر سرعت به اينترنتي داشته باشند. اين مورد جدا از موانعي است كه بر سر راه دستيابي به تعداد قابل توجهي از سايتهاي علمي وجود دارد. به بياني ديگر، زيرساختهاي فناوري ارتباطي در ايران ناتوان‌تر از آن است كه بتواند از برنامه اي متناسب براي ايجاد فرصتهاي آموزشي در ايران پشتيباني كند. متأسفانه برنامه ها و طرحهايي كه با عنوان تكفا در جريان بود و اقدامهايي كه با عنوان دولت الكترونيك انجام مي شد،‌ در قدمهاي اوليه به دليل حمايت نكردن نخبگان و اداره كنندگان كشور، شادابي اوليه را از دست داده اند و اميدواري به آنها براي ياري رساندن در تقويت زيرساختها،‌ ساده انديشي تلقي مي‌شود.**

**تأكيد بر خصوصي‌سازي،‌ آن گونه كه ذيل اصل 44 قانون اساسي در حال وقوع است،‌ مي‌تواند در حوزه دستيابي به زيرساختهاي فناوري ارتباطي اميدبخش باشد،‌ به شرطي كه خصوصي سازي نيز در قالب خواسته هاي كساني كه مي خواهند شرايط ثابت بماند، قرار نگيرد.**

**نكتة نويدبخش ديگر، آموزشهاي عمومي و گاه تخصصي است كه در سازمانهاي دولتي، شركت در آنها براي كاركنان تقريباً اجباري است. هرگاه اين آموزشها براي توانايي كار با رايانه و پرورش افرادي داراي مهارت با استانداردهاي سواد اطلاعاتي ـ بويژه در سطح دانشگاهي و براي اعضاي هيئت علمي ـ ارائه شود، ‌مي تواند پاسخگوي تربيت نيروهاي مناسب كار و فعاليت در دانشگاه مجازي ‌باشد. در عين حال، اعزام گروهي از متخصصان تعليم و تربيت و حوزة فناوري آموزشي و متخصصان شبكه ساز،‌ براي مطالعه و مشاهده آنچه كشورهاي ديگر در حوزه دانشگاه مجازي انجام داده اند،‌ ضرورت دارد. هر چه تعداد اين گروه ها بيشتر باشد،‌ تعداد بيشتري از دست اندركاران دانشگاه مجازي زير پوشش آموزشهاي اين تيمها قرار مي گيرند و احتمالاً به اين طريق بخشي از نيروهاي انساني كه بايد عامل تغيير وضعيت فعلي به وضعيت مطلوب باشند،‌ تأمين مي شود. هرگاه دو مانع بهره گيري از متخصصان خارجي و يا اعزام براي گذراندن دوره هاي كوتاه مدت به خارج بر طرف شود، ‌با سرعت بيشتري مي توان بر مشكل فعلي غلبه كرد.**

**گرچه مطلوب و منطقي است كه همه انسانها از فرصتهاي آموزش عالي برخوردار باشند، ‌ولي در دنيايي كه از هر عملي بازده اقتصادي طلب مي شود،‌ بازكردن در دانشگاه‌هاي سنّتي و مجازي به روي همه،‌ همانند آنچه در دوره هاي سواد آموزي مي‌گذرد، مطلوب نيست.‌ با افزايش تعداد فراگيران،‌ در مقابل دشواريهاي فراوان تربيت مدرس با كيفيت، از كيفيت آموزش كاسته مي شود. پيام اين پژوهشگر اين است كه، ‌آنهايي كه ظرفيتهاي لازم براي موفقيت در دانشگاه ـ سنتي يا مجازي ـ را دارند و سرمايه گذاري بر روي آنها بازده معقولي دارد، به هر نوع نظامي آموزشي راه يابند. وارونه اين نوع تفكر اين است كه بازار كار در شرايط فوق قلمروگرايي،‌ طالب افرادي است كه بازده اقتصادي دارند. گرچه اين پيام منتقد بزرگ جامعه اطلاعاتي هربرت شيلر است، اما واقعيتي است كه اكنون در بسياري از كشورها و در آينده در ايران نيز بيش از امروز رخ خواهد نمود. وقتي رياست جمهوري در سخنراني هفته پژوهش سال 1387 اعلام مي كند پژوهشي، پژوهش است كه مشكلي از مشكلات جامعه را حل كند،‌ به گونه‌اي غير مستقيم اعلام مي دارد كه دوران پژوهش براي پژوهش و آموزش براي آموزش سپري شده است. ممكن است تخصيص اعتبارات ناكافي به پژوهش و توجه اندك به رشته‌هاي علوم انساني در ايران نيز اين پيام را در خود داشته باشد كه اين پژوهشها و اين آموزشها بازدهي اقتصادي لازم را ندارند. بدين سبب، گسترش آموزشهاي سنتي و مجازي به اتكاي رشته‌هاي علوم انساني،‌ از ايجاد تغييرات مثبت در بهبود شرايط زيست ايرانيان ناتوان است. بر اين اساس، پيام ديگر اين پژوهشگر اين است كه آموزشهاي مجازي بيش از آنكه به ايجاد فرصتهايي براي آموزشهاي درحوزه علوم انساني و تا اندازه اي اجتماعي بينديشد،‌ به حوزه هاي علوم كشانده شود؛ موردي كه دانشگاه صنعتي شريف در حال انجام آن است.**

**منابع**

**- استادزاده، زهرا (1382). دانشگاه مجازي، آموزش از دور و توسعه. مجموعه مقالات اولين همايش ملي توسعه دانشگاه مجازي، دانشگاه قرن بيست و يكم. انتشارات مرسل، تهران.**

**- باقري، خسرو (1384). چالش هاي معرفت شناختي جهاني شدن براي تعليم و تربيت. مجموعه مقالات اولين همايش ملي جهاني شدن وتعليم وتربيت .دانشكده روان شناسي وعلوم تربيتي دانشگاه تهران.**

**- ذاكر صالحي، غلام رضا (1383). دانشگاه هاي آينده: بررسي ابعاد تحول در آموزش عالي. مجموعه مقالات همايش آموزش عالي و توسعه پايدار، مؤسسه پژوهش و برنامه ريزي آموزش عالي انجمن آموزش عالي ايران.**

**- رابينز، كوين و فرانك وبستر (1384). عصر فرهنگ فناورانه: از جامعه اطلاعاتي تا زندگي مجازي . ترجمه مهدي داودي.**

**- رشادت جو، حميده (1383). جهاني شدن و مديريت منابع انساني. پاسخ آموزش عالي. مجموعه مقالات همايش آموزش عالي و توسعه پايدار، مؤسسه پژوهشي و برنامه‌ريزي آموزش عالي.**

**- شولت، جان آرت (1382). نگاهي موشكافانه بر پديده جهاني شدن . يان آرت شولت ؛ ترجمه مسعودكرباسيان. تهران: انتشارات علمي و فرهنگي.**

**- ضرغام، نصرت الله (1371). آموزش از دور در جهان. مجموعه مقالات اولين سمينار تخصصي آموزش از دور. دانشگاه پيام نور، تهران.**

**- ميرشمشيري، مرجان (1384). جهاني شدن و تأثير و تأثر آن بر نظام هاي آموزش و پرورش و آموزش عالي. مجموعه مقالات اولين همايش ملي جهاني شدن و تعليم وتربيت. دانشكده روان شناسي وعلوم تربيتي، دانشگاه تهران، 1384.**

**- وبستر، فرانك (1382). نظريه‌هاي جامعه اطلاعاتي. ترجمة مهدي داودي. تهران: وزارت امور خارجه.**

**--------------------------------------------------------------------------------**

**1. Teacher assistant.**